



Pathology of religious education in Student cultural and educational centers

Seyed Mohammadreza Hoseini nejad mahani ¹

Department of Educational Sciences, Payame Noor University of Tehran

*Corresponding author: Seyed Mohammadreza Hoseini nejad mahani, Department of Educational Sciences, Payame Noor University of Tehran, Tehran, Iran
Email z.seyed.31388@gmail.com

Article Info

Keywords: Education, Religious education, pathology, Student cultural and educational centers

Abstract

Introduction: As important as planning is for religious education, it is important to know the issues and its pathology. Possible harms in religious education will frustrate the efforts of educators; Therefore, recognizing the negative aspects of education is no less important than recognizing its positive aspects; Therefore, the present study was conducted with the aim of examining the current situation of religious education and its pathology in Salman Farsi Nokhbeghan Center as one of the most successful cultural and educational centers for students in the country.

Method: In this study, the students and educators of Center with a descriptive-survey method and a questionnaire with 81% validity and 81.2% reliability from three perspectives: "Educational methods" and "Educational Content" and "Teacher-Teacher Relationship" are examined.

Results: The results of descriptive statistics show that the coach's relationship with the coach has been affected by injuries such as pessimism towards the coach, creating a spirit of self-aggrandizement and creating mistrust and hatred towards the coach. Educational methods have also been associated with stubbornness, hostility, loss of prestige, and hypocrisy in the educator. Also, educational content has been confronted with a negative attitude and pessimism towards religious content, learning to be biased in judging, creating instability in religious beliefs.

Conclusion: According to the identified harms, training-oriented collections should take action to correct the educational content, the relationship between the trainer and the trainer and their training methods.

Copyright © 2022, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

آسیب‌شناسی تربیت دینی در کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی

سیدمحمد رضا حسینی نژاد ماهانی^۱

^۱گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران

*نویسنده مسوول: سیدمحمد رضا حسینی نژاد ماهانی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران
ایمیل: seyed.31388@gmail.com

چکیده

مقدمه: به همان اندازه که برنامه‌ریزی برای تربیت دینی مهم است شناخت مسائل و آسیب‌شناسی آن نیز از اهمیت برخوردار است. آسیب‌های احتمالی در تربیت دینی، کوشش‌های مربیان را بی‌حاصل خواهد نمود؛ بنابراین شناخت جنبه‌های منفی تربیتی، کم‌اهمیت‌تر از شناخت جنبه‌های مثبت آن نیست؛ از این رو تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت موجود تربیت دینی و آسیب‌شناسی آن در کانون نخبگان سلمان فارسی به عنوان یکی از موفق‌ترین کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی کشور انجام شده است.

روش‌ها: در این تحقیق مربیان و متریبان کانون به صورت تمام شماری با روش توصیفی-پیمایشی و ابزار پرسشنامه با روایی ۸۱٪ و پایایی ۸۱٪/۲ از سه منظر «روش‌های تربیتی» و «محتوای آموزشی» و «رابطه مربی با متربی» مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

نتایج: نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که رابطه مربی با متربی با آسیب‌هایی از قبیل بدبینی نسبت به مربی، ایجاد روحیه خودبزرگ‌بینی و ایجاد بی‌میلی و نفرت نسبت مربی روبرو شده است. روش‌های تربیتی نیز با بروز لجاجت، دشمنی، از بین رفتن آبرو و ایجاد نفاق و دورویی در متربی همراه بوده است. همچنین محتوای آموزشی نیز با نگرش منفی و بدبینی نسبت به محتوای دینی، یادگیری سوگیری در موضع قضاوت، ایجاد تزلزل در باورهای دینی مواجه شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به آسیب‌های شناسایی شده، کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی باید نسبت به اصلاح محتوای آموزشی، روابط بین مربی و متربی و روش‌های تربیتی خود اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، آسیب‌شناسی، کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی

مقدمه

یگانه رسالت پیامبران الهی که برگزیدگان خداوند از میان انسان‌ها و فرستادگان او به‌سوی ایشان هستند همانا «تربیت بشر» بوده است. همه تلاش‌ها و مجاهدت‌های ایشان در راستای این هدف بزرگ شکل گرفته و زندگی خود را به‌پای این مقصود فدا کرده‌اند. تربیت از مباحثی است که هر متفکری با زاویه دید خاص خود به آن نگرسته و تعریفی از آن ارائه نموده است. به‌عنوان مثال کسی که به جنبه‌های فردی تربیت نظر دارد، آن را کوششی در جهت غنی کردن تجارب فردی انسان و شکوفایی استعدادها و رغبت‌های او معرفی می‌کند و آن دیگری که به جنبه‌های اجتماعی تربیت توجه دارد آن را وسیله‌ای برای اجتماعی ساختن انسان می‌داند [۱]. تربیت مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدف‌دار یک انسان (مربی) به‌منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان‌های دیگر (متربیان) براساس‌برنامه‌ای سنجیده است [۲]. یکی از ابعاد تربیتی که همواره موردتوجه نظام‌های مختلف تربیتی و آموزشی ازجمله نظام تعلیم و تربیت اسلامی بوده است توجه به بعد دینی متربیان است. تربیت دینی فرآیندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد هماهنگ با فطرت و به‌دوراز جبر و فشار، به‌منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد [۳]. از سویی تربیت دینی در اجرا به دو شکل رسمی و غیررسمی دیده می‌شود. منظور از تربیت رسمی این است که تربیت دینی با برنامه‌ریزی مدون و از پیش تعیین شده به‌وسیله افراد خاصی در نهادهای آموزشی انجام شود (مانند مدارس زیرمجموعه آموزش و پرورش) و منظور از تربیت دینی غیررسمی تربیتی است که در قالب دو نهاد خانه و جامعه بدون طرح و برنامه پیشین انجام می‌گیرد. «کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی» براساس تعریف اساسنامه ابلاغی شورای عالی آموزش و پرورش کشور به مراکز اطلاق می‌شود که برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، ادبی، هنری، ورزشی، اجتماعی، علمی و مهارتی در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای نوجوانان

دانش آموز به ویژه دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه در سراسر کشور تشکیل می‌گردد. مجموعه‌هایی که برنامه‌های خاصی را در جهت تربیت دینی دانش‌آموزان به‌طور منسجم و هدف‌دار اجرا می‌نمایند. این کانون‌ها را می‌توان ترکیبی از تربیت رسمی و غیررسمی دانست که به شکل‌های مختلف فعالیت می‌نمایند. تربیت دینی، تربیتی براساس مفاهیم و معیارهاست. هرگاه این مفاهیم مورد بدفهمی قرار گیرند و یا حیطه آن‌ها بیشتر یا کمتر از آنچه هست، ارزیابی شود و یا در مواجهه با مسائل نوظهور عصر و دوران به‌صورت نابجا مورد استفاده قرار گیرد آسیب‌هایی در تربیت دینی آشکار خواهد شد [۴]. آسیب‌های تربیت دینی می‌تواند عوامل و منشاءهای گوناگون داشته باشد. زمانی که به آثار صاحب‌نظران و پژوهشگران عرصه تربیت دینی مراجعه می‌کنیم، یکی از مشترکات اصلی عوامل مؤثر در امر تربیت را وجود «رابطه سالم و سازنده بین مربی و متربی» می‌یابیم. باقری [۵] ضمن بیان این که «ارتباط بین مربی و متربی» جزء ملزومات فعالیت تربیت دینی به‌شمار می‌رود، اظهار می‌کند که یکی از محورهای مهم و آسیب‌زا در حوزه تربیت دینی همین نحوه ارتباط بین مربی و متربی است. همچنین پور ارشد [۶] در پژوهشی با عنوان «مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی با تأکید بر آرا و اندیشه‌های متفکران و صاحب‌نظران» وجود «رابطه» را در امر تربیت دینی متربیان لازم دانسته و به آسیب‌های ناشی از ارتباط ناسالم بین مربی و متربی پرداخته است. یکی دیگر از عناصر تربیتی که همواره موردتوجه صاحب‌نظران [و البته آسیب‌شناسان] عرصه تربیت دینی بوده و از آن به‌عنوان یکی از ارکان اساسی تعلیم و تربیت یاد می‌شود وجود محتوای تربیتی سرشار و سازنده است چنانچه اگر در یک نظام تعلیم و تربیت رابطه‌ای هرچند دوسویه بین مربی و متربی شکل بگیرد اما اگر از محتوای تعالی‌بخش برخوردار نباشد این رابطه الزاماً آثار تربیتی سازنده‌ای را به دنبال نخواهد داشت. ادهم [۷] در کتاب «تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر» سه عنصر برای تربیت دینی مؤثر بیان می‌کند: یک عنصر معلم، یک عنصر کتاب درسی و یک عنصر روش تدریس؛ وی بهره‌گیری معلم از روش‌های

تربیتی اثربخش را به‌عنوان سومین عامل توفیق نظام تعلیم و تربیت در کنار محتوای آموزشی و ارتباط متقابل معلم و دانش‌آموز، تلقی می‌کند. مطالعات آسیب‌شناسانه از بروز آسیب‌هایی در عرصه تربیت دینی حکایت دارد که تحقق اهداف عالی تربیتی را با چالش مواجه نموده است چنانکه راهیابی از این چالش‌ها و موانع، مستلزم بررسی دقیق عوامل و ریشه‌های آن است؛ از این‌رو پژوهش حاضر به‌طور ویژه درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تربیت دینی در کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی با چه آسیب‌هایی همراه است؟ و سؤالات جزئی پژوهش شامل ۱. وضعیت موجود رابطه مربی و متربی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبروست؟ ۲. وضعیت موجود روش‌های تربیتی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبروست؟ ۳. وضعیت موجود محتوای آموزشی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبروست؟ بنابراین با توجه به سؤال اصلی پژوهش هدف اصلی این تحقیق شناسایی آسیب‌های تربیت دینی در کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی است تا از رهگذر آن، در راستای تحول نظام تربیتی مدارس و اصلاح محتوا، روش‌ها و ارتباطات موجود، در بهبود اثربخشی نظام آموزش و پرورش گام‌های مؤثری برداشته شود.

روش‌ها

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و از نوع پیمایشی است که با توجه به تمرکز آن بر مطالعه عمیق نمونه‌ی معینی از کانون‌های فرهنگی تربیتی، می‌توان آن را در طیف مطالعات موردی (Case study) قلمداد نمود؛ صرف‌نظر از نام‌گذاری‌های کلی، در مورد روش‌هایی که در اجرای این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، باید گفت این طرح طی سه‌گام یا مرحله اساسی زیر انجام شده است: ۱- مطالعه علمی مربوط (نظریه‌ها و سوابق پژوهشی) در پایگاه‌های اطلاعاتی و کتاب‌های منتشر شده از محققین حوزه تربیت دینی به‌منظور شناسایی ادبیات موضوع و شناخت عوامل مؤثر بر تربیت دینی و روش‌های آسیب‌زا و همچنین

آسیب‌های پیش‌رو در این زمینه ۲- تجزیه و تحلیل نتایج بررسی ادبیات تحقیق و تلفیق عوامل مؤثر و آسیب‌های احتمالی شناسایی شده به‌منظور بررسی وضعیت موجود تربیت دینی و آسیب‌های موجود در «مورد» (Case) مورد مطالعه (کانون نخبگان سلمان فارسی) ۳- عرضه چهارچوب پیشنهادی و پرسشنامه‌های محقق ساخته به مربیان و متربیان در «مورد» (Case) مورد مطالعه (کانون نخبگان سلمان فارسی)

بنابراین در اجرای این تحقیق و متناسب با هریک از مراحل فوق از روش‌های پژوهشی زیر استفاده شده است:

روش مطالعه کتابخانه‌ای: در اجرای مرحله اول تحقیق از روش مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری و بررسی اسناد و مدارک مربوط به مبانی و سوابق پژوهشی طرح استفاده شده است. در این مرحله، ادبیات موضوع با مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و کتب منتشر شده مربوط، شناسایی، و عوامل مؤثر بر تربیت دینی و آسیب‌های احتمالی پیش‌روی این حوزه استخراج گردیده است. **روش پیمایشی:** در اجرای مرحله دوم تحقیق، به‌منظور بررسی وضع موجود تربیت دینی از سه منظر «روش‌های تربیتی»، «رابطه مربی با متربی» و «محتوای آموزشی» از دو پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده شده است. در فرآیند تألیف پرسشنامه‌ها و به‌منظور بررسی روایی صورتی آن‌ها، پس از استخراج عوامل مؤثر بر تربیت دینی و روش‌های آسیب‌زا در کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی و تبیین برخی آسیب‌های احتمالی در قالب فعالیت‌های تربیت دینی بر اساس آیات و روایات، پیش‌نویس اولیه پرسشنامه‌ها تهیه و جهت ارزیابی تخصصی در اختیار ۱۰ نفر از متخصصین حوزه تربیت دینی (دانشگاهی و حوزوی) قرار گرفت و ضمن اخذ نظرات تکمیلی و یا اصلاحی ایشان، فرم نهایی آن با مجموع روایی ۸۱٪ تهیه شد. همچنین به‌منظور تعیین ضریب پایایی پرسشنامه‌ها بر اساس نتایج حاصل از اجرای آزمایشی که در ۲۰ درصد جامعه آماری انجام شد، پس از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ها، ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) آن‌ها برابر با ۸۱/۲٪ حاصل شد. جدول شماره (۱) بیانگر ارتباط هریک از گویه‌های دو پرسشنامه با هر کدام از سه منظر مزبور می‌باشد.

جدول شماره (۱): تقسیم‌بندی گویه‌های دو پرسشنامه با توجه به ارتباط مقولات ۸ گانه با سه حوزه مورد بررسی

مقولات ۸ گانه / گویه‌های پرسشنامه			حوزه مورد بررسی
سرزنش	جدل و مراء	تنبيه	روش‌های تربیتی
گویه ۱۵ تا ۱۸ پرسشنامه مریبان	گویه ۱۹ تا ۲۵ پرسشنامه مریبان	گویه ۶ تا ۱۰ پرسشنامه مریبان	تربیتی
تفکر منفی نسبت به محتوای آموزشی	نظام ارزشیابی ناعادلانه	رسمی بودن محتوای آموزشی	محتوای آموزشی
گویه ۱۲ تا ۱۶ پرسشنامه متریبان	گویه ۶ تا ۱۱ پرسشنامه متریبان	گویه ۱ تا ۵ پرسشنامه متریبان	آموزشی
نا هماهنگی در رفتار و گفتار مریبی		تبعیض در رفتار مریبی	رابطه مریبی
گویه ۱۱ تا ۱۴ پرسشنامه مریبان		گویه ۱ تا ۵ پرسشنامه مریبان	با متریبی

مریبان و متریبان به هر سؤال و همچنین مثبت یا منفی بودن آن گویه، به طیف‌بندی پاسخ‌ها تحت مقیاس‌های «آسیب جدی»، «آسیب»، «آسیب‌زا» و «بدون آسیب» پرداخته شده است (جدول شماره ۲) که در ادامه به بررسی نتایج به‌دست‌آمده پرداخته شده است.

همچنین به منظور تعیین فراوانی ویژگی‌های دموگرافیک و فراوانی‌های پاسخ‌های داده‌شده به هر یک از گویه‌ها از آمار توصیفی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پاسخ‌های مریبان و متریبان با استفاده از نرم‌افزار SPSS، با در نظر گرفتن درصد فراوانی پاسخ‌های

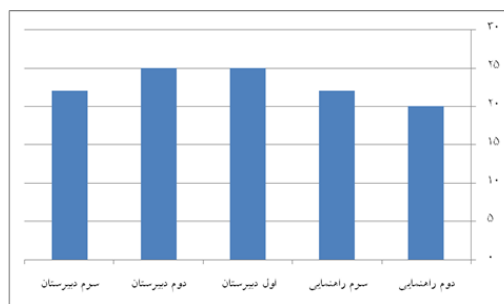
جدول (۲): طیف بندی پاسخ‌ها براساس میزان آسیب‌زایی

طیف پاسخ‌ها		برای گویه‌های مثبت		برای گویه‌های منفی	
آسیب جدی	کاملاً مخالفم	کاملاً موافقم			
آسیب	بسیار مخالفم	بسیار موافقم	در حد متوسط	مخالفم	مواقفم
آسیب‌زا	موافقم	مخالفم			
بدون آسیب	بسیار موافقم	کاملاً موافقم			کاملاً مخالفم

یافته‌های پژوهش

بخشی از ویژگی‌های مریبان و دانش‌آموزان کانون با ارائه آمار توصیفی در قالب جدول و نمودار ارائه شده است:

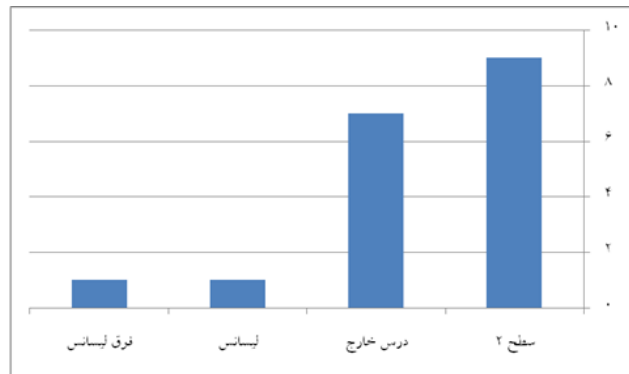
نمودار (۱): توزیع فراوانی متریبان به تفکیک پایه تحصیلی



جدول (۳): توزیع فراوانی متریبان به تفکیک سابقه حضور در کانون

ردیف	سابقه حضور در مجموعه	تعداد	درصد
۱	۱ سال	۲۰	۱۸٪
۲	۲ سال	۲۲	۱۹٪
۳	۳ سال	۲۵	۲۲٪
۴	۴ سال	۲۵	۲۲٪
۵	۵ سال	۲۲	۱۹٪
	جمع	۱۱۴	۱۰۰٪

نمودار (۲): توزیع فراوانی مربیان به تفکیک مقطع تحصیلی



جدول (۴): توزیع فراوانی مربیان به تفکیک سابقه فعالیت تربیتی

ردیف	سابقه فعالیت تربیتی	تعداد	درصد فراوانی
۱	۱ تا ۵ سال	۷	۴۳/۷۵٪
۲	۶ تا ۱۰ سال	۵	۳۱/۲۵٪
۳	۱۱ تا ۱۵ سال	۲	۱۲/۵٪
۴	بالاتر از ۱۵ سال	۲	۱۲/۵٪
۵	بدون سابقه	۰	۰٪
۶	جمع کل	۱۶	۱۰۰٪

تفاوت وجود دارد (جدول ۵). اگر ویژگی تراکمی بودن مقیاس گاتمن را در طیف بندی آسیب ها در نظر بگیریم، ۷۲/۵٪ مربیان مقوله «تبعیض در رفتار مربی» و ۷۴٪ مربیان مقوله «دوگانگی در رفتار و گفتار مربی» را با آسیب همراه دانسته اند.

سؤال اول: وضعیت موجود رابطه مربی - متربی در تربیت دینی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب هایی روبه روست؟
توصیف آماری داده های حاصل از وضعیت سنجی «رابطه مربی - متربی» نشان می دهد که بین نظرات مربیان کانون،

جدول (۵): وضعیت «رابطه مربی - متربی» در کانون نخبگان سلمان فارسی

طیف پاسخها	مقوله «تبعیض در رفتار مربی»		مقوله «دوگانگی در رفتار و گفتار مربی»	
	تعداد پاسخها	درصد	تعداد پاسخها	درصد
آسیب جدی	۱۱	۱۳/۷۵٪	۲	۳٪
آسیب	۳۳	۴۰٪	۳۱	۵۰٪
آسیب زای	۱۵	۱۸/۷۵٪	۱۳	۲۱٪
بدون آسیب	۲۲	۲۷/۵٪	۱۶	۲۶٪

گردد و سایرین که ناظر این رفتار تبعیض آمیز هستند و خود را نیز مستحق آن تکریم می دانند، یا آشکارا تحقیر می شوند یا دست کم، توهم تحقیر در آنها شکل می گیرد و این امر باعث می شود تا نسبت به فرد تکریم شده، حسادت ورزیده و کینه ی وی را به دل بگیرند و در پی فرصتی باشند تا عزت و کرامتی را که به وی داده شده است، از او سلب کنند. شاهد این موضوع، داستان حضرت یوسف (علیه السلام) و بردارانش است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است.

اذعان مربیان به وجود رابطه تبعیض آمیز با متربیانمی تواند با پیامدهای آسیب زای زیادی همراه باشد که نه تنها در امر تربیت دینی مؤثر نخواهد بود بلکه تأثیرات منفی زیادی در پی خواهد داشت. از جمله آسیب های ناشی از این گونه رفتار مربیان می توان به موارد زیر اشاره کرد: یکی از آسیب هایی که در اثر رفتار ناهم سطح و تبعیض آمیز مربی با متربیان، می تواند بروز پیدا کند، آزارهایی است که ممکن است از جانب دیگران به فرد محبوب تر و برتر به او برسد. زمانی که فردی در یک جمع به صورت مکرر مورد احترام و تکریم قرار

خویش را باحالت و رفتار خود تکذیب کند، زیرا در این صورت مردم از هدایت و رشد متنفّر می‌شوند. وجود دوگانگی در رفتار و گفتار مربی، گاهی ریا را به متریان آموزش می‌دهد، بدون اینکه مربی به آن توجه داشته باشد؛ چراکه متریان همان‌گونه که از کلام مربی خود تأثیر می‌گیرند، از رفتار او نیز متأثر می‌شوند. مربی با مشاهده این رفتار، به جواز ریا و نفاق پی می‌برد و به این نکته می‌رسد که می‌توان برای رسیدن به هدف، در ظاهر به گونه‌ای و در باطن به گونه‌ای دیگر عمل کرد. از سایر آسیب‌های ناشی از این دوگانگی که در روایات آورده شده است می‌توان به آبروریزی و از دست دادن اعتبار مربی بین متریان و جرئت پیدا کردن بر گناه و دروغ بیشتر و بزرگ‌تر و اموری از این دست اشاره کرد.

سؤال دوم: وضعیت موجود روش‌های تربیتی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبه‌روست؟ نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ‌های دانش‌آموزان در مورد «روش‌های تربیتی» نشان می‌دهد که درصد قابل‌توجهی از فراگیران (۵۹٪) وضعیت روش تربیتی کانون را در مقوله «سرزنش» در طیف «آسیب» ارزیابی نموده‌اند و ۶۴٪ فراگیران مقوله «جدل و مراء» را نیز با آسیب همراه دانسته و ۴۰٪ فراگیران در مورد مقوله «تنبیه» در طیف «بدون آسیب» قرار گرفته است.

جدول شماره (۶): وضعیت «روش‌های تربیتی» در کانون نخبگان سلمان فارسی

طیف پاسخ‌ها	مقوله «سرزنش»		مقوله «جدل و مراء»		مقوله «تنبیه»	
	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد
آسیب جدی	۵	۸٪	۱۲	۱۱٪	۱۰	۱۲/۵٪
آسیب	۳۷	۵۹٪	۷۰	۶۴٪	۲۳	۲۸/۷۵٪
آسیب‌زا	۱۲	۱۹٪	۱۷	۱۶٪	۱۵	۱۸/۷۵٪
بدون آسیب	۹	۱۴٪	۱۰	۹٪	۳۲	۴۰٪

یکی دیگر از پیامدهای این‌گونه رفتار، متوجه خود مربیان می‌گردد؛ زیرا مربی که به او بی‌توجهی و بی‌مهری شده است، نسبت به مربی خود بدبین شده و کینه وی را در دل می‌گیرد و چه بسا به اعمال زشتی در جهت آزار و اذیت مربی و انتقام گرفتن از او دست بزند. از سایر آسیب‌های ناشی از این‌گونه رفتار می‌توان به الگوبرداری منفی توسط متریان از رفتار مربی اشاره کرد. به این معنی که متریان، تبعیض و بی‌عدالتی در رفتار را از مربی فراگرفته و در آینده نسبت به دیگران اعمال می‌نمایند. همچنین احساس حقارت و ایجاد دشمنی نیز از جمله آسیب‌هایی است که از رفتار ترجیح‌خانه و تبعیض‌خانه مربی حاصل می‌شود. و اما از آسیب‌ها و اثرات تخریبی دوگانگی در رفتار و گفتار مربیان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یکی از عواملی که پایه‌های اعتماد مربی به مربی را سست می‌کند، تضاد و دوگانگی در رفتار و گفتار مربی است. در چنین شرایطی، مربی سرگردان می‌ماند که قول مربی را بپذیرد و یا عمل او را؟ آیا گفتارش صحیح است یا کردارش؟ و بدین ترتیب اعتماد او از مربی سلب می‌شود. یکی دیگر از آسیب‌های ناشی از این دوگانگی، ایجاد بی‌میلی و حتی نفرت در مربی نسبت به مربی و معلم و علم و عالم است؛ چنانکه غزالی [۸] در کتاب میزان العمل، یکی از وظایف هشت‌گانه معلم را عمل کردن به علم خود می‌داند و در ادامه می‌گوید: «معلم نباید گفتار

درعین حال یکی از ساده‌ترین روش‌های تربیتی درزمینه‌ی کنترل متریان سرکش می‌دانند و این در حالی است که استفاده از این‌رو نیازمند مهارت‌های خاص تربیتی است که

ضمن بررسی پاسخ‌های مربیان به ۴ سؤال مقوله «سرزنش» می‌توان درمجموع چنین بیان کرد که مربیان ملامت و سرزنش مربی را یکی از کارآمدترین و

هرکسی نمی‌تواند از عهده آن برآید و از طرفی اگر ملامت و سرزنش در رفتار مری بر فضای تربیت غالب شود وارد حوزه آسیب‌زای خود می‌شود که بایستی از آن اجتناب کرد. در بررسی پاسخ مریبان به گویه‌های مربوط به مقوله «جدل و مراء» باید گفت که رشد قوه تفکر و تحلیل مریبان به عنوان یکی از اهداف تربیتی کانون قلمداد می‌شود که از طریق برگزاری جلسات گروهی و مباحثه تحت عنوان «حلقه‌های رشد» دنبال می‌شود. اما آنچه در این بین مشهود است گرایش فضای جلسات به سمت کشمکش و جدال و مراء است؛ که این مسئله، زمینه بروز بسیاری از آسیب‌های جدی را در تربیت دینی مریبان فراهم می‌کند. از جمله آسیب‌هایی که وجود چنین فضایی به دنبال دارد می‌توان به بیماری و کدورت دل اشاره کرد. کسی که با مردم به جروبخت و مراء می‌پردازد به تعبیر امام صادق علیه‌السلام بیمار و مریض است که هیچ مریضی بدتر و پست‌تر از آن برای بشر وجود ندارد. ایشان می‌فرمایند: «مراء بد دردی است و برای انسان خصلتی بدتر از آن نیست؛ مراء خوی شیطان و پیروان و منتسبان او است» [۹]. از دیگر پیامدهای جروبخت در فضای تربیتی همانندسازی است. به عبارت دیگر متری ضمن الگوبرداری از مری، یاد می‌گیرد که ضمن بالا بردن خود و به سکوت کشاندن دیگران، حرف خود را به کرسی نشاند و دیگران را تحقیر کند. ایجاد عداوت و دشمنی یکی دیگر از آسیب‌های ناشی از به‌کارگیری این روش در تربیت دینی مریبان است. در فضای جروبخت، بین طرفین برخوردهایی نامناسبی شکل می‌گیرد که منجر به سست شدن رابطه دوستی و حتی ایجاد تنفر و دشمنی می‌شود. خواه مراء کننده برحق باشد یا نباشد؛ چنانکه در سفارش حضرت امیر علیه‌السلام به کمیل نیز همین نکته تصریح شده است: ای کمیل! از مراء بپرهیز، زیرا اگر این کار را کردی، سفیهان را بر آزار خود واداشتی، و این رفتار دوستی را از بین می‌برد [۹]. از سایر آسیب‌های این روش می‌توان به از بین رفتن آبروی انسان، ایجاد نفاق و دورویی، اذیت و آزار دیگران و... اشاره کرد. از آنجایی که تنبیه به معنای واقف گردانیدن بر چیزی و آگاه کردن [۱۰]، آمده است، در حوزه تربیتی می‌تواند یکی از

روش‌های مفید و مؤثر قلمداد شود و از طرفی با توجه به اقتضای سن مریبان کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش-آموزی همچون کانون نخبگان سلمان فارسی و بالا بودن نسبی خطاهای مریبان در این شرایط سنی آگاهی بخشیدن و تنبیه‌های سبک همچون محرومیت‌های سبک عاطفی و ... به‌کارگیری این روش، در مسیر تربیت دینی و صحیح مریبان، از سوی مریبان می‌تواند با کاربرد نسبتاً زیادی همراه باشد. برخی مریبان به جهت ارتباط نزدیک با مریبان و با این استدلال که ورود مری به حوزه تنبیه می‌تواند در ارتباط صمیمی و مداوم مری با متری که یکی از ابزارهای مهم در مسیر تربیت دینی متری تلقی می‌شود، خدشه‌ای وارد کند، هرگونه تنبیه در امر تربیت دینی متری را خود شخصاً به عهده نمی‌گیرند و در صورت نیاز به این روش، این راه را به عهده دیگران مثلاً معاون کانون واگذار می‌نمایند و این در حالی است که نه تنها در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام گونه‌های بسیار زیادی از به‌کارگیری این روش در جهت تربیت صحیح و آگاهی بخشی به اقشار مختلف دیده می‌شود بلکه خداوند در قرآن کریم بارها مجرمان را به عاقبت کار خود متنبه کرده است. نمونه‌های بسیار جالب و زیادی نیز در استفاده از مراحل و قواعد مختلف تنبیه در سیره بزرگان دین دیده می‌شود به‌عنوان مثال یکی از مراحل تنبیه متری می‌تواند تنبیه با کنایه باشد و آن هم از سوی خود مری، که می‌تواند اسباب تنبیه و تفکر را در متری ایجاد کرده و چه بسا که به تغییرات بنیادی نیز در تفکر و رفتار متری منجر شود. نمونه بسیار جالب این‌گونه روش در سیره امام کاظم علیه‌السلام، جمله کنایه آمیز ایشان به بشر حافی بود که به تحول اساسی در وی منجر شد [۱۱]. برخی مریبان در امر تربیت متری خود به مسئله تهدید توجه نکرده و آن را بسیار آسیب‌زای دانند و در استفاده از آن پرهیز می‌کنند و این در حالی است که خداوند بارها در قرآن کریم به صورت مستقیم و غیرمستقیم افراد را از عاقبت سوء رفتار خویش و مجازات آن مطلع می‌سازد. آسیب‌هایی از قبیل تقبیح شخصیت فرد خطاکار به‌جای نکوهش عمل نابهنجار، در نظر نگرفتن شرایط متری، شتاب‌زدگی در تنبیه، افراط در استفاده از این روش، نگاه مجرمانه به متری حتی

نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ‌های متریبان در مورد «محتوای آموزشی» در سه مقوله «تلقی رسمی بودن و دشواری محتوای آموزشی»، «نظام ارزشیابی ناعادلانه» و «تلقی تفکر منفی نسبت به محتوای آموزشی» مطابق با جدول شماره (۷) بیانگر وجود آسیب در این مقولات است.

پس از تنبیه و... از جمله مسائل نامطلوبی است که می‌تواند در اثر ناآگاهی مربی در استفاده از این‌رو تربیتی، برای مربی به دنبال داشته باشد. **سؤال سوم:** وضعیت موجود محتوای آموزشی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبه‌روست؟

جدول شماره (۷): وضعیت «محتوای آموزشی» در کانون نخبگان سلمان فارسی

طیف پاسخ‌ها	«تلقی رسمی بودن و دشواری محتوا»		«نظام ارزشیابی ناعادلانه»		«تلقی تفکر منفی نسبت به محتوا»	
	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد
آسیب جدی	۱۴۸	۲۶٪	۲۳۴	۳۴٪	۱۵۲	۲۷٪
آسیب	۲۸۳	۵۰٪	۲۶۲	۳۹٪	۲۰۳	۳۶٪
آسیب‌زا	۵۸	۱۰٪	۴۵	۷٪	۶۱	۱۱٪
بدون آسیب	۸۱	۱۴٪	۱۳۸	۲۰٪	۱۵۰	۲۷٪

همین امر باعث نوعی بدبینی نسبت این محتوای دینی شده است. متریبان در پاسخ به گویه‌های مربوط به «نظام ارزشیابی ناعادلانه» آن را غیرمنصفانه معرفی کرده‌اند (جدول شماره ۷). از جمله آسیب‌های ناشی از وجود این‌گونه نظام ارزشیابی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از آنجایی یکی از ابزارهای مهم برای تربیت دینی متربی توسط یک مربی، پذیرش همه‌جانبه مربی از سوی متربی است، یکی از جلوه‌های این پذیرش در برخورد عادلانه و منصفانه مربی به هنگام امتیازدهی به متربی نمود پیدا می‌کند. حال اگر متربی در زمینه‌ی امتیازدهی مربی خود را در موضع عدالت نبیند و حس کند که او ناعادلانه امتیاز می‌دهد، دیگر نایستی به‌راستی مودت و دوستی و درنهایت تأثیرپذیری متربی از مربی امید داشت. از دیگر اثرات نامطلوبی که برخورد ناعادلانه به هنگام امتیازدهی به متریبان به همراه دارد این است که متربی به‌صورت تلویحی، سوگیری در موضع قضاوت را یاد می‌گیرد. نظام ارزشیابی ناعادلانه یکی از دلایل مهم ایجاد تفکر منفی نسبت به محتوای دینی برنامه‌های کانون نخبگان است. به‌عبارت‌دیگر متربی زمانی که معیارهای ارزیابی مجموعه را با عدالت همراه نداند، این بی‌عدالتی را به سرتاسر فعالیت‌های کانون تعمیم داده و حتی منجر به ایجاد ذهنیت منفی نسبت به محتوای دینی انتخاب‌شده و کارشده توسط مربیان در جلسات گروهی (حلقه‌های رشد) می‌شود. از جمله آسیب‌های ناشی از «تلقی

در مورد ایجاد تلقی رسمی بودن و دشواری محتوای آموزشی که نیمی از متریبان آن را در طیف آسیب معرفی کرده‌اند می‌توان به نکات زیر اشاره کرد: یکی از عوامل مؤثر جهت به ثمر نشستن تلاش‌های مربی در مسیر تربیت دینی متربی، دیدگاه متربی است. درواقع زمانی که کانون برای گرفتن بازخورد و ارزیابی متریبان و یا هر دلیل دیگری، مجبور به پذیرش برخی سازوکارهای رسمی نظام تعلیم و تربیت می‌شود، درچنین شرایطی مخاطبپرداختن به نیازها و ضرورت‌های درونی خود را از دست داده و تلاش خود را در جهت جلب رضایت کانون (انجام تکالیف و کسب امتیاز) معطوف می‌کند. زمانی که این تلقی در متربی ایجاد شود، او عمدتاً در کلاس‌ها به‌عنوان یک وظیفه مؤسسه‌ای حضور می‌یابد و محتوای آموزشی را حفظ می‌کند. سپس آنچه را که حفظ کرده سر کلاس بازگویی می‌کند. لذا این تلقی نسبت به محتوا، با توجه به اهداف عالی تربیت دینی و تقویت پایه‌های اعتقادی متریبان و بعد ارزشی و عملی آن، بزرگ‌ترین مانع استفاده مطلوب از محتوای دینی برای ارزش‌ها، نگرش‌ها و اعمال موافق دین مبین اسلام است. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار و منفی در نگرش و دید متریبان نسبت به محتوای آموزشی، دشواری آن است. به نظر می‌رسد که برخی متریبان به علت ضعف بنیه علمی و شاید پایین بودن توان یادگیری، در جلسات گروهی (حلقه‌های رشد) امتیاز خوبی از مربی کسب نکرده‌اند که

تفکر منفی نسبت به محتوای آموزشی» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اگر این دید برای متریبان درزمینه‌ی محتوای آموزشی ایجاد شود، در برخی آن‌ها چنین تصویری ایجاد می‌شود که محتوای دینی ارائه‌شده در حلقه‌های رشد، چندان ارتباطی با زندگی واقعی ندارد. به بیان دیگر حتی اگر متربی بپذیرد که اگرچه آموزش‌های دینی مباحثی صحیح و منطقی هستند، در عمل کاربرد چندان (به‌خصوص در عرصه‌های اجتماعی) ندارند. ذهنیت منفی نسبت به محتوای آموزشی مجموعه نخبگان که اکثراً جنبه دینی دارد، منجر به عدم پذیرش و ایجاد تزلزل در باورهای دینی آن‌ها خواهد شد. اگر در یک متربی این تفکر منفی نسبت به محتوای کلاس‌ها القا شده باشد (که می‌تواند این القا از راه‌های مختلف مثلاً فرهنگ حاکم بین متریبان کانون، صورت گرفته باشد) صحبت‌های مربی را همواره تکراری و شبیه به هم می‌داند که در نهایت هیچ پذیرشی در او حاصل نمی‌شود.

بحث

پژوهش حاضر باهدف آسیب‌شناسی تربیت دینی در یکی از کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی به این نتیجه دست‌یافت که وضعیت موجود تربیت دینی در این مجموعه از سه منظر «رابطه مربی بامتربی»، «روش‌های آموزشی» و «محتوای آموزشی» با آسیب‌هایی همراه بوده است. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات پردختان [۱۲]، حسین چاری [۱۳] و قائمی مقدم [۱۴] در باب روش‌های آسیب‌زا در تربیت دینی که به پیامدهای منفی برخی روش‌ها مانند تنبیه و سرزنش پرداخته اند همخوانی دارد. قائمی مقدم در کتاب «روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی» چنین بیان می‌کند که یکی از مشکلات عمده در تعلیم و تربیت عدم آگاهی درست مربیان از روش‌های تربیتی است؛ تفسیرهای شخصی و نادرست مربیان از روش‌ها، کج فهمی برخی مربیان از مفاهیم روشی و مراتبی اجرای روش‌های تربیتی، عدم شناخت مناسب از شرایط سنی و محیطی متربی، عدم تسلط بر روش‌های دینی تربیتی و... از جمله اموری است که در حیطه روش‌های تربیتی، روند تربیت را با کندی و آسیب‌های جدی روبرو

ساخته است. اصرار بسیاری از مربیان بر باورهای غلط خود در این حوزه، ناخواسته مربیان را به انحراف می‌کشاند و امر تربیت را با مشکلات فراوانی مواجه می‌سازد تا جایی که همانطور که قائمی مقدم می‌نویسد، چه بسا رها کردن متریبان به حال خود (و تربیت نکردن آنها) بهتر از تربیت کردن از راه شیوه‌های نادرست باشد؛ زیرا در صورت اول احتمال دارد متربی خود مسیر درستی را در زندگی انتخاب کند، ولی در صورت دوم، روش‌ها و برخوردهای نادرست مربی، او را در مسیر دیگری قرار می‌دهد و نتیجه ای جز تربیت مسموم ندارد. همچنین مطالعات پیشین بر وجود آسیب‌های ناشی از تبعیض در رفتار مربی با متریبان صحه می‌گذارد. نتایج پژوهش حاجی ده‌آبادی [۱۵] نشان می‌دهد که در جان تبعیض‌ها، شاید بدترین و مهمترین آسیب متوجه کسانی شود که به هر دلیل از محبت مربی محروم شده‌اند زیرا که افراد هم از نظر شخصیتی در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرند و هم خود، زمینه ساز آسیب به دیگران خواهند شد چراکه احترام به یک شخص و توجه نکردن به شخص دیگر بدون دلیل نسبت به اطرافیان باعث تحقیر و هتک و عقده روانی آن‌ها شده، آتش کینه را شعله‌ور ساخته و سبب حسادت می‌شود. یافته دیگر این پژوهش در مورد آسیب‌های ناشی از نظام ارزشیابی ناعادلانه از جمله تخریب روابط دوستی مربی با متریبان و ایجاد عداوت و دشمنی، با حاصل پژوهش اکرمی [۱۶] با موضوع ارائه یک الگوی نظری درباره برنامه درسی بینش اسلامی متوسطه همگراست. نتایج تحقیقات وی نشان می‌دهد که سیستم نمره دهی درسی بینش اسلامی، آن را از اهداف خود دور کرده و تا زمانی که نظام ارزشیابی دروس دینی همین نظام فعلی باشد روش مناسبی برای تحقق امر تربیت دینی دانش‌آموزان نیست.

پیامدهای ناشی از عملکرد کانون در هماهنگی با یافته‌های فرهادی [۱۷] و عباسی [۱۸] از آسیب‌هایی حکایت دارد که در پی محتوای رسمی تعلیم و تربیت ظهور می‌کند. عباسی در پژوهشی با موضوع «آسیب‌شناسی اثر بازگشتی نوع ارزشیابی در تربیت دینی» انجام داده است دریافت که دانش‌آموزان از همان دوران ابتدایی می‌آموزند که هدف از

باید توسط مسئولین کانون مورد ارزیابی و ریشه‌یابی قرار بگیرد و برای این منظور پیشنهاد می‌شود که کانون‌نخبگان سلمان فارسی ضمن تشکیل کمیته نظارت و ارزیابی اقدامات لازم را درخصوص بررسی و شناسایی روش‌های آسیب‌زا در تربیت دینی انجام نموده و اجرای کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت مربیان برای کاهش چنین آسیب‌هایی برنامه‌ریزی نماید.

سپاسگزاری

در پایان از مدیرعامل وقت و کلیه مربیان و متریان کانون که در فرآیند انجام این پژوهش مشارکت نمودند تشکر و قدردانی می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

به افراد شرکت‌کننده در پژوهش در مورد محرمانه بودن نتایج پرسشنامه‌ها اطمینان داده شده است؛ و این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با کد پروژه ۱۱۱۲۱ می‌باشد.

تضاد منافع

نتایج این پژوهش با منافع هیچ سازمان یا فرد خاصی تعارض ندارد.

منابع مالی

تأمین منابع مالی این پژوهش برعهده هیچ نهاد یا سازمانی نبوده است.

تحصیل "دکتر و مهندس شدن" است از این‌رو تمام فعالیت‌های آموزشی با این قطب‌نما تنظیم می‌شود، از این منظر دانش ارزش قدسی خود را از دست داده و صورت رسمی پیدا می‌کند که این موضوع با یافته‌های این پژوهش در مورد تلقی رسمی بودن محتوای آموزشی همخوانی دارد. همچنین یافته‌های پژوهش رضوانی [۱۹] نشان می‌دهد که دید دانش‌آموزان نسبت به درس دینی با انتظارشان از نظام آموزش به ویژه در مقاطع بالاتر یعنی اخذ مدرک تحصیلی و ورود به مقاطع بالاتر یا بازار کار ارتباط دارد. از این رو به این درس، به عنوان مرحله‌ای از تحصیل نگریسته می‌شود. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که اصولاً تربیت دینی و اخلاقی با نظام آموزش رسمی تناسب ندارد و پیشنهاد می‌دهد که امر تربیت دینی به رویکردهای تلفیقی از تصادفی و غیر رسمی واگذار شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که در کنار موفقیت‌ها و اثرات سازنده‌ای که فعالیت‌های کانون‌نخبگان سلمان فارسی در تربیت دینی متریان داشته است روش‌ها، محتوا و رابطه‌های مربیان با متریان با آسیب‌هایی همراه بوده است، آسیب‌هایی که جریان تربیتی را به مخاطره انداخته و تحقق اهداف تربیت دینی را با چالش مواجه ساخته است. آسیب‌هایی که به تفصیل در بخش یافته‌های پژوهش ارائه شد

منابع

1. Ebrahim Zade I. Adult Education. Tehran: Payame Noor University; 2004. (persian)
2. Davoodi M. The Payambar's and Ahle-Bayt's Training style. Qom: Research Institute of Hawzeh and University; 2005. (persian)
3. Ehsani M. Religious Education Family. Maarefat Monthly. 2002; (32): 52-67. (persian)
4. Bagheri Kh. A look at Islamic education again. Tehran: Madrased; 2015(1). (persian)
5. ----- A look at Islamic education again. Tehran: Madrased; 2015(2). (Persian)
6. Pour Arshad N. Theoretical Foundations of the Pathology of Religious Education with Emphasis on the Thoughts and Thoughts of the Thinkers and Experts. Summary of the Proceedings of the Religious Pathology Conference in Education. 2001; (2): 110-124. (Persian)
7. Adham N. Religious education in contemporary islamic society. Qom: Imam Khomeini Education & Research institute; 2016. (persian)
8. Ghazali M, Kasmaei A. Mizanolama. Tehran: Islamic Republic of Iran Broadcasting; 1999. (persian)
9. Majlesi M. Bahar al-Anwar. Beirut: Dar al-Haya al-Tharath al-Arabi; 2010.

10. Dehkhoda A. Dehkhoda Dictionary. Tehran: Tehran University; 1994. (persian)
11. Motahhari M. Education in Islam. Tehran: Sadra; 2012. (persian)
12. Paridokhtan Z. Encouragement and punishment in Islam. International Congress of Religious Culture and Thought. 2017; 3: 177-185. (persian)
13. Hoseinchary M, Falah zade A. Pathology of Islamic education based on the view of Shahid Beheshti. National Conference on Islam and Mental Health. 2018;1: 214-229. (persian)
14. Ghaemi moghadam M. Educational Damaging Methods An Islamic Viewpoin. Qom: Research Institute of Hawzeh and University; 2005. (persian)
15. Haji Dehabadi M. Issues and problems of religious education with emphasis on Islamic texts. Qom: Research Institute of Hawzeh and University; 2001. (persian)
16. Akrami S. peresentation a Theortical model about Secondary Religiou curriculum Tehran: Tarbiat Moalem University; 1994.268p. (persian)
17. Farhadi F. The role of schools in religious education and national identity of students. national conference on the identity of Iranian Islamic children.2017; 1: 47-60. (persian)
18. Absi H, Eskandari H. Pathology Return effect of the type of evaluation on religious education. National Conference on the Philosophy of Religious Education and Moral Education. 2019; 5: 135-152. (persian)
19. Saeedi Razvani. Reflection on the Relevance of the Formal Education System to Religious Education. Tehran. Islamic Education Publication; 2001. (persian)